

می‌دهند، چرا که مقالات بسیار مفید و خواندنی به‌وسیله‌ی اساتید بزرگ و بنام، بویژه خود جناب‌عالی زینت‌بخش این مجله است. دوست عزیز برای این که مقالات قدری متنوع باشد، بنده نیز مقاله‌ای درباره‌ی صائب تبریزی نوشته، تقدیم می‌کنم و امید است هرچه هست، از این کم‌مایه بپذیرید و با چاپ آن قرین تشکر فرمایید.

استاد عزیز، غزلی را که تازه سروده‌ام، به پیوست ارسال می‌کنم که لطفاً در اختیار دوست عزیزم جناب آهی بگذارید تا در موقع مناسب به چاپ

آن مبادرت نمایند.

ارادتمند: **نظمی تبریزی** - تبریز - ۱۳۸۳/۳/۱۰

**حافظ: از مقاله‌ی شما استفاده می‌کنیم و شعر خوبتان را به جناب آقای حسین آهی می‌سپاریم.**

✉ مدیریت محترم ماهنامه‌ی فرهنگی حافظ

با سلام. موجب خرسندی است که گستره‌ی پخش مجله‌ی پُربار و گران‌سنگ **حافظ**، دلبران را هم دربرگرفته است، چرا که ایران تنها تهران است و دیگر شهرها بویژه شهرهای کوچک فراموش شده‌اند. دو شماره‌ی نخست شما را خوانده و برخی ناگفته‌ها و نوشته‌ها برایم روشن شد. برآمدن مجله‌ی حافظ را به حافظان فرهنگ ایرانی شادباش می‌گویم.

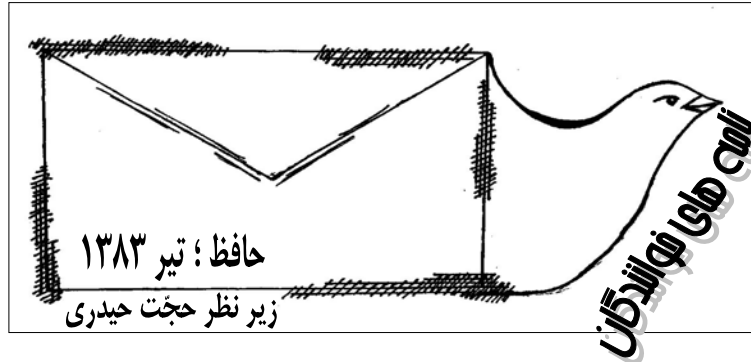
دلبران - **حسین صفری**

**حافظ: از حمایت شما سپاسگزاریم. همه‌جای ایران سرای من و شماست و دلبران هم. کتاب شما را درباره‌ی دلبران معرفی کرده‌ایم.**

✉ اندیشمند عزیز و دانشمند نام‌آور ایران مظلوم! پروفیسور سید حسن امین ارجمند.

سلام دارم و عرض ادب و ارادت به پیشگاه شما و قلم بلندی که همیشه و همه‌وقت و در طول این سال‌ها در کنارش بوده‌ام و با اندیشه‌ات سفره‌ام را آراسته‌ام و سپاس از این که دو هدیه‌ی گران‌بها (حافظ، شماره‌های ۱ و ۲) و خبر ارزشمند چنین حادثه‌ی عظیمی از قلم و زبان شما در کنار همان سفره‌ای که از آن اندیشه برداشت کرده‌ام، برکتش را افزون کرد و مایه‌ی خوش‌حالی و مباحث حقیر شد. امیدوارم که این قلم بلندتان همیشه سایبان ایران و ایران‌دوستانی باشد که با نام بلندی زنده‌اند و زندگی را با زمانه پیوند می‌دهند و این گران‌مایه‌ی وزین‌تان با یاوران و هم‌اندیشانی که یار و یاور «حافظ»‌اند، مانا و پایدار بماند و سلام گرم خالصانه‌ام را به تک‌تک‌شان لطف بفرمایید. اجازه می‌خواهم **حافظ** را با تقدیم مبلغ اندک ناچیز بابت آبونه‌ی یک‌ساله، برای عزیزتری از عزیزترین کسَم (فردوسی سلیمانی وزمتر) که از جنس خانواده‌ام می‌باشد، مشترک شوم.

با سپاس و احترام - قزوین - **جمشید شمسی‌پور** (خشتاونی)



اشاره: همه‌روزه پیام‌های فراوان از انبوهی از خوانندگان ماهنامه‌ی حافظ با تلفن و فاکس و نامه به ما می‌رسد. در این جا تنها نمونه‌هایی از این نامه‌ها را که هر کدام به نوعی حاوی پیامی خواندنی است، گلچین می‌کنیم و از همه‌ی عزیزانی که از سراسر کشور با ما در ارتباط‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم.

✉ نویسنده‌ی اندیشه‌ور، جناب پروفیسور امین

درود بر شما باد!

از این که نسخه‌هایی از نشریه‌ی گران‌سنگ «حافظ» را برایم فرستادید، از شما سپاس‌گزاری می‌کنم. به‌دور از هرگونه بزرگ‌نمایی و یا تعارفی، باید بگویم که شما هم‌اینک به یکی از مفاخر ارزنده و ماندگار فرهنگ و هنر و دانش ایران تبدیل شده‌اید؛ چرا که کوشش‌های ستودنی‌تان در کسوت استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار، پژوهنده، حقوق‌دان، تاریخ‌پژوه و جز این‌ها، شما را در جایگاهی نشانده که درخشان و تابناک است. باری، برای بنده، به‌عنوان عضو کوچکی از جامعه‌ی مطبوعات محلی گیلان‌زمین، مایه‌ی بسی خوشنودی خواهد بود که بتوانم از این پس به گونه‌ی منسجم‌تر و پُررنگ‌تر از نوشته‌های ارزشمندتان بهره‌مند شوم و طرف بده بستان فرهنگی‌تان قرار گیرم. از این رو، به پیوست این نوشته، چند سیاه‌مشق مطبوعاتی‌ام را پیشکش‌تان می‌سازم و امید آن دارم که این مراوده، دیری بپاید.

از سوی دیگر، بر خود لازم می‌بینم که از شما بابت مقاله‌های خواندنی و معتبری که در پاس‌داشت فرهنگ ملی ایران و نیز تجلیل از قهرمانان میهنی ایران، به‌رشته‌ی تحریر می‌کشانید، سپاس‌گزاری کنم.

پیروز و بهروز و کامیاب باشید که از افتخارات این کهن‌بوم و برید.

ارادتمند: **سید ابراهیم مروّجی** - رشت - ۱۳۸۳/۲/۲۹

**حافظ: از حمایت معنوی شما سپاسگزاریم و به همراهی و همکاری شما امیدوار.**

✉ حضور محترم دوست دانشمندم، جناب پروفیسور امین دام‌ظله‌العالی

با سلام و تقدیم مراتب احترام. بدین‌وسیله به استحضار می‌رساند: مجله‌ی وزین **حافظ** که حاصل تلاش بی‌وقفه‌ی جناب‌عالی است، در تبریز دست‌به‌دست می‌گردد، به‌طوری که اوایل هر ماه رسیدن این مجله را ادباً، شعراً و اهل فضل و فرهنگ به یک‌دیگر مژده

حافظ: ما به حمایت شما مستظهریم، آن هم حمایت عملی و مالی و پرداخت وجه اشتراک مجله برای دوستان!

✉ خدمت ذی شرافت سرور گرامی؛ پروفیسور سید حسن امین با سلام و عرض ادب.

به استحضار حضرت عالی می‌رسانم: بنده دکتر محسن خلیلی هستم و در گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به تدریس می‌باشم. شماره‌های ۲ و ۳ مجله‌ی وزین حافظ را برای دانشجویان دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصادی شخصاً خریداری کردم و در اختیار آنان قرار دادم. واقعاً امکانات مالی دانشکده به ما اجازه‌ی تهیه‌ی مداوم و منظم این مجله را نمی‌دهد. خواستم از حضرت عالی خواهش کنم دستور فرمایید از این پس یک نسخه از مجله‌ی حافظ برای کتابخانه‌ی تخصصی گروه علوم سیاسی ارسال گردد. از لطف و عنایت جناب عالی بسیار سپاس گزارم. در عین حال اگر شایسته باشم، تمایل دارم با دایره‌المعارف ایران‌شناسی همکاری علمی نمایم. با کمال احترام - ارادتمند محسن خلیلی - مشهد - ۱۳۸۳/۳/۱۲

**حافظ: ماهنامه‌ی حافظ را برای کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی می‌فرستیم، اما با این شوق فراوان که جناب عالی دارید، ماهنامه‌ی حافظ را به گروه علوم سیاسی نیز خواهیم فرستاد. حمایت مادی و معنوی استادان عزیزمانند شما در سرتاسر ایران، عزم ما را در تداوم این خدمت راسخ‌تر می‌کند.**

✉ استاد محترم جناب پروفیسور سید حسن امین زید عزه با سلام. چندی پیش آقای دکتر سالمی نوه‌ی آیت‌الله کاشانی در نقد مقاله‌ی حضرت عالی در مجله‌ی ایران‌مهر شماره‌ی ۲ شهریور ۱۳۸۲ تحت عنوان «نامه‌ی آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق در باب کودتای ۲۸ مرداد» یادداشتی از اسپانیا ارسال و سفارش کردند پس از تایپ، جهت درج در نشریه‌ی مذکور در اختیار جناب عالی قرار دهم، متأسفانه پس از مدتی کوتاه نشریه‌ی مذکور تعطیل شد تا آن‌که مجله‌ای با همان سیاق با عنوان «حافظ» به زیور طبع آراسته گردید و امیدوارم هم‌چنان نشر یابد. این جانب ضمن تبریک بابت انتشار این مجله‌ی وزین، خواهشمند است با سعه‌ی صدری که اهل قلم در شما سراغ دارند، نسبت به چاپ مقاله‌ی آقای سالمی در مجله‌ی خود اهتمام ورزید. بدیهی است اگر پاسخی هم بنویسید، شایسته‌تر است تا مقاله را چاپ نکنید. متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست / گروهی این گروهی آن پسندند.

به یاد دارم در سفر یک‌روزه‌ای که این جانب نیز افتخار همراهی با شما داشتم (منظور سفر به گرمسار و سمنان در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۷) وقتی موضوع فوق را با شما در میان گذاشتم، فرمودید مقاله را بفرستید تا چاپ کنیم. این شما و این هم مقاله. با آرزوی موفقیت برای شما.

تهران - مرتضی رسولی - ۱۳۸۳/۳/۲۳

حافظ: با تشکر از توجه شما؛ ما طالب حقیقت و دوستدار واقعیت‌ایم. اما همان‌طور که خود آقای سالمی (نوه‌ی دختری

مرحوم آیت‌الله کاشانی) نوشته‌اند، مقاله‌ی ما جوابیه‌ی فرمایشات مکرر و مصاحبه‌های سابق ایشان بوده است. لذا گفته‌های ایشان برای ما تکراری است. اما ما به سهم خود حاضریم مقاله‌ی سابق خود را در مجله‌ای دیگر به انتخاب آقای سالمی همراه نوشته‌ی آقای سالمی منتشر کنیم و از خوانندگان هم بدین‌وسیله نظر خواهی می‌کنیم که آیا تجدید مطلع درباره‌ی نامه‌ی مورخ ۳۲/۵/۲۷ منسوب به آیت‌الله کاشانی خطاب به دکتر مصدق را در مجله روا می‌شمارند یا نه؟

✉ جناب آقای پروفیسور امین چه خوش‌حالم که با ماهنامه‌ی حافظ

شهم را با سرود مهر و لطف ماه بنوازم

به اوج واژه‌های دل‌نشین دامن این دشت

دهد هر نغمه‌ی تان

با هزاران شوق پروازم.

با سلام و ادب. سعادت و سلامت را آرزو می‌کنم. امیدوارم هر بار ماهنامه‌ی حافظ پُربارتر به دست‌مان برسد. استاد عزیز از مطلبی که می‌خواهم یادآور شوم ناراحت نشوی. در مجله‌ی وزینی چون حافظ نباید نویسنده‌ای به احساس‌برانگیزترین شعر - یعنی غزل - بتازد. کسانی که دست به چنین کاری می‌زنند، زیبایی را نشانخته‌اند. بنده ۶۰ سال است در غزل، لبخند خورشید، رقص ماه و اشک ستاره‌ها را دیده‌ام. لطف غزل زمزمه‌ی جویباران و نجوای برگ و نسیم را در ذهنم نشانده است. مشاور ادبی می‌فرمایند قافیه شاعر را وادار به غزل‌سرایی می‌کند. آقای مشاور ادبی! قافیه، صاحبان احساس و عاطفه و اندیشه را به همکاری می‌خواند نه هر کسی را؛ باور کنید، دوستانی دارم که دکترای ادبیات دارند و حسرت سرودن یک بیت شعر در دل‌شان مانده است. ای کاش مشاور ادبی‌تان شبی در پای غزل‌های رهی، سایه، نادرپور و هم‌چنین شعرهای آهنگین شادروان فریدون مشیری می‌نشست.

با این‌نامه فیش پنج‌هزار تومان را تقدیم داشته‌ام، چون مجله‌ی شماره‌ی ۲ و ۳ را دارم، لطف نمایند مجله‌ی شماره‌ی ۱ و بقیه را ماهیانه برایش ارسال نمایند. ممنون خواهیم شد.

قائم‌شهر - مهدی فرزانه - ۱۳۸۳/۳/۶

حافظ: با سپاس از حمایت معنوی و مادی آن عزیز، مطلب «مشاور ادبی» به‌قلم همکاران رضا رفیع (سردبیر سابق هفته‌نامه‌ی گل‌آقا!) در ستون مخصوص «طنز ادبی» شماره‌ی خرداد ۸۳ منتشر شده بود. عنوان «طنز ادبی» هم در فهرست مطالب در صفحه‌ی ۳ و هم در آغاز مطلب در صفحه‌ی ۷۹ قید شده بود. مقاله‌ها و شعرهای منتشرشده در ماهنامه‌ی حافظ نشان می‌دهد که ما و همکاران‌مان با غزل بیگانه نیستیم. با این همه ما انتقادپذیریم و از انتقادهای سازنده‌ی شما عزیزان استقبال می‌کنیم.



✉ دوست دانشمندم، یاور و یار اباختر، حضرت استاد امین ماهنامه‌ی حافظ هر بار زیباتر و دانشی‌تر و با پهنای ادبی و تاریخی گسترده‌تر به دستم می‌رسد و مرا به داشتن آن مغرور می‌کند. همراه ماهنامه‌ی حافظ نوعی پیام است که دارنده‌ی آن به مخاطب ناشناس می‌دهد. یعنی: «بی‌آن که دیده‌ام باشی، فهمیده‌ام باشی، درکم کن.» وزن و بارش، می‌رود به دوش و ذهن دارنده‌ی آن. بنابراین فرصت را غنیمت شمردم و ضمن عرض ادب و سلام و سپاس از محبت‌های بزرگوارانه‌ی شما دفتر قائم‌شهرم را مشترک کردم تا مراجعان نیز از سعادت دیدار محروم نیافتند.

بدرود - سیروس مهدوی - قائم‌شهر - ۱۳۸۳/۳/۱۲  
حافظ: شما خود با نشر فصل‌نامه‌ی وزین اباختر، در این خدمت‌های فرهنگی با ما همراه و هم‌قدم‌اید. چه گوارا است که شما ماهنامه‌ی حافظ را پسندیده و مشترک شده‌اید.

✉ «کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد»  
گل گفستی و دُر سفتی الحق که چنین باشد  
لبریز شده جامم، احساس تملق نیست  
چون تشنه رسد چشمه آشفته‌ترین باشد  
در عصر سیاهی‌ها یک‌باره دلم واشد  
دل وا شود این‌گونه «مه‌نامه» وزین باشد  
زین کلک خیال‌انگیز البته که دریابد  
آن کس که غمش حافظ، استادش «امین» باشد  
با سلام خدمت استاد بزرگوارم، پروفیسور سید حسن امین، خواستم احساسات درونی خود را بعد از خواندن مجله‌ی حافظ بیان کنم. دیوان حافظ را باز کردم و تصمیم داشتم هر شعری که بیابد با مصرع اول آن شروع کنم، پس با این مصرع شروع کردم تا چند کلمه حرف دل خود را در قالب چند بیت نوشته، تقدیم کنم. امیدوارم پسندیده باشید.  
استاد گرامی: با توجه به این‌که بزرگواری چون شما کوچک‌ترانی چون ما را مورد لطف و محبت خود قرار می‌دهد، بی‌نهایت خوش‌حالیم و تشکر می‌کنیم.  
من خودم و آقای روشن تا جایی که از دست‌مان بریباید، برای هرگونه همکاری با مجله‌تان آماده بوده و علاقه‌مندیم و این باعث افتخار ماست.

زنجان - شریفه جعفری  
حافظ: خوش‌حالیم که دانشجویان دیروز ما، امروز خود صاحب کتاب و دفتر و اهل قلم و هنرند. کتاب شعر شما را در همین شماره معرفی کرده‌ایم و از همکاری شما و همسر شاعر و ادیب‌تان آقای سیامک روشن استقبال می‌کنیم.

✉ خدمت استاد دانشمند جناب آقای پروفیسور امین سلام علیکم!

نشریه‌ی وزین حافظ از طریق همکار ارجمندم جناب آقای حسن مروّجی عز وصول شد و واسطه‌العقد آشنایی حقیر با حضرت عالی شد، هرچند آشنایی بنده با آثار حضرت‌عالی به سال‌ها پیش برمی‌گردد، اما شناختی ژرف با مطالعه‌ی دقیق و موشکافانه‌ی ماهنامه انجام پذیرفت.

غرض از تصدیق دو چیز بود: یکی این‌که چندی پیش کتاب «بررسی زبان‌شناسانه‌ی گویش سبزواری» را به‌آدرس دایره‌المعارف خدمت‌تان تقدیم کرده بودم و امیدوار بودم که در صفحه‌ی تازه‌های کتاب مجله جهت آشنایی خوانندگان معرفی شود، زیرا هم نخستین کتابی است که با این شیوه و بنیانی زبان‌شناسانه و کاملاً علمی به توصیف ساختارهای دستوری، واژگانی و نحوی گویش سبزواری پرداخته است و هم به جنبه‌هایی از گویش پرداخته که بیانگر استعداد تبدیل حتا به زبان‌شدن را داراست و از سویی علقه وطن‌دوستی شما را دورادور شنیده بودم. نکته‌ی دیگر آن است که مقاله‌ای زیر نام «تجلی آتش در فرهنگ خراسان و تحلیل ژرف‌کاوانه‌ی آن» جهت درج کامل در مجله به دایره‌المعارف ارسال داشتم تا چنانچه صلاح دانستید، اقدام به چاپ آن فرمایید. این مقاله به باورهای مردم سبزواری درباره‌ی آتش و مظاهر آن پرداخته و نیز پیشینه‌ی این باورها را از گذشته‌ها در اساطیر هندی و ایرانی و... بررسی کرده است. البته مقالات ادبی و علمی و... فراوانی است که حاصل ایام بوده است. در صورت نیاز به یاری خدا در شماره‌های آینده به‌تدریج ارسال خواهیم کرد.

سبزواری - ابوالفضل بروغنی - ۱۳۸۳/۳/۵  
حافظ: با سپاس، مقاله‌ی شما در حقیقت باید در فصل‌نامه‌های خراسان پژوهی چاپ شود. با این همه، مقاله‌ی شما را به شورای سردبیری سپردیم و کتابتان را معرفی کردیم.

✉ حضور مبارک مدیرمسئول و سردبیر محترم مجله‌ی وزین «حافظ» جناب آقای پروفیسور سید حسن امین، سلام عرض می‌کنم. قبل از هر چیز، انتشار این مجله‌ی باارزش را به شما و همکاران دانشمندتان و به جامعه‌ی ادبی هنری ایران و حتا به خود حقیرم تبریک می‌گویم. کاری که شما پیش‌رو دارید و نمونه‌های خوبش را پیشاپیش ارائه کرده‌اید، کارستان است، البته جامعه‌ی فرهنگی ایران شما را به استادی، بزرگواری و فرهیختگی می‌شناسد و یقین دارند که چنین کار عظیم و سترگ تنها از عهده‌ی شما و یاران هم‌دل‌تان برمی‌آید. ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید.

با این یادداشت، فعلاً بنای اظهارنظر کلی و یا نقدگونه ندارم. اگر اجازه بفرمایید این کار را در فرصتی مناسب حداقل بعد از دو سه شماره‌ی دیگر حتماً انجام می‌دهم و از این‌که حقیر را قابل دانستید و مورد محبت و عنایت قرار دادید، خیلی متشکرم. برای شروع همکاری، مقاله‌ای به‌نام «حافظ در آینه‌ی ضرب‌المثل‌ها» به همراه یک جلد مجموعه شعرم و گاه‌نامه‌ای که به‌نام «ترلان» منتشر می‌کردم، برای معرفی در نشریه تقدیم می‌دارم.

ضمناً چند نمونه شعر از نوسروده‌های خود در پاکتی جداگانه برای صفحه‌ی «با شاعران امروز» خدمت استاد حسین آهی، ارسال می‌دارم که امیدوارم به‌لطف و مهربانی شما، به دست آن بزرگوار برسد. امیدوارم خداوند قادر متعال حافظ وجود نازنین‌تان باشد.

بندر آستارا - منصور بنی‌مجیدی - ۱۳۸۳/۲/۳۱

حافظ: سپاسگزاریم. شعر شما در همین شماره چاپ و نشریه‌تان معرفی شده است. مقاله‌تان را نیز به شورای سردبیری سپردیم. کتاب شما را در همین شماره معرفی کرده‌ایم.

